



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر
موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - مقدمه ششم: بررسی تبعیت و جوب مقدمه از
ذی مقدمه در اطلاق و اشتراط - اشکال شیخ انصاری به ثمره
اول - پاسخ محقق خراسانی به اشکال شیخ انصاری

تاریخ: ۱۳۹۶/دی/۲۵
مصادف با: ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۱
سال نهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ثمره نزاع بین مشهور و صاحب فصول در باب مقدمه موصله بود. عرض کردیم محقق خراسانی می فرماید: طبق مبنای مشهور نماز کسی که ازاله نجاست را ترک کند، در حالی که وقت برای اقامه نماز داشته باطل است اما طبق مبنای صاحب فصول نماز این شخص صحیح است. توضیح دادیم که چگونه بر مبنای مشهور نماز این شخص باطل و بر مبنای صاحب فصول نماز صحیح است.

اشکال شیخ انصاری به ثمره اول

شیخ انصاری در مورد این ثمره اشکال کرده و آن را انکار کردند. ایشان در دو مرحله اشکال خود را بیان می کنند. در مرحله اول می فرماید: اگر بخواهیم با دقت مسئله را مورد بررسی قرار دهیم باید بگوییم طبق مبنای مشهور و مبنای صاحب فصول نماز صحیح است و اگر بخواهیم با تسامح این مسئله را بررسی کنیم باید بگوییم طبق هر دو مبنا نماز باطل است. پس در مرحله اول که مبتنی بر دقت است شیخ انصاری می فرماید نماز طبق هر دو مبنا صحیح است. در مرحله دوم می فرماید: اگر این دقت را کنار بگذاریم باید بگوییم طبق هر دو مبنا نماز باطل است.

مرحله اول

گفته شد ترک نماز مقدمیت دارد برای ازاله نجاست و به همین جهت وجوب غیری پیدا می کند. فرض این است که طبق نظر مشهور، مطلق مقدمه وجوب غیری دارد، اعم از این که موصل باشد یا نباشد. پس ترک نماز مطلقاً وجوب غیری دارد. از طرف دیگر هر چیزی که واجب باشد نقیضش حرام است. نقیض ترک نماز می شود «عدم ترک الصلوة» زیرا «نقیض کل شیء رفعه» اگر ترک نماز رفع شود یعنی عدم ترک الصلوة پس عدم ترک الصلوة حرام می شود. وقتی ترک نماز واجب باشد قهراً نقیض آن یعنی عدم ترک نماز حرام می شود.

این که شیخ انصاری گفتند: اگر با دقت ملاحظه کنید طبق نظر مشهور نیز نماز صحیح است به این جا نظر دارند. ایشان می گویند: عنوانی که متعلق حرمت قرار گرفته عنوان «عدم ترک الصلوة» است نه «فعل الصلوة» «فعل الصلوة» یک عنوان است «عدم ترک الصلوة» یک عنوان دیگر است. آن چه که حرام شده به اعتبار حرمت نقیض آن عبارت است از عدم ترک الصلوة.

پس خود فعل نماز حرام نشده، چون متعلق نهی واقع نشده است. اگر خود فعل نماز حرام نباشد و نهی به آن تعلق نگرفته باشد دیگر دلیلی بر فساد آن نیست و نماز صحیح است.

درست است که «عدم الترتک الصلوٰۃ» خارجا متحد با فعل نماز است. یعنی عدم نخواندن نماز در خارج اگر تحقق پیدا کند همان فعل نماز است و خارجا بین این دو مفهوم اتحاد است. اگر بخواهید مصداق عدم ترک نماز را در خارج نشان دهید قهرا باید به فعل نماز اشاره کنید، به تعبیر خود شیخ انصاری «عدم العدم» ملازم با وجود است، ولی این اتحاد در وجود خارجی است اما خود مفهوم این ها با هم متفاوت هستند. مفهوم «عدم ترک الصلوٰۃ» با مفهوم فعل نماز با هم مغایر است اگر حرمت به یک مفهوم و عنوان بخورد دلیلی ندارد که سرایت کند به مفهوم و عنوان دیگر ولو این که این ها در خارج متحد باشند، ولو این که وجودا یکی باشند. پس بحث تعلق نهی است که به این عنوان خورده و سرایت نهی از این عنوان به عنوان دیگر دلیلی ندارد. پس وقتی نهی و حرمت سرایت نکرد از عدم ترک نماز به فعل نماز، فعل نماز دیگر منهی عنه نیست و لذا فاسد نخواهد بود و نماز صحیح است. طبق نظر صاحب فصول نیز که این نماز صحیح بود. پس اگر با دقت این مسئله را تحلیل کنیم طبق هر دو مبنا نماز صحیح است.

مرحله دوم

اگر این دقت را کنار بگذاریم، طبق هر دو مبنا باید حکم به بطلان نماز کنیم. دلیل بطلان نماز طبق مبنای مشهور واضح است و قبلا بیان شد. مشهور معتقدند ترک نماز مقدمه ازاله نجاست است، به همین جهت وجوب غیری به آن تعلق گرفته است. لذا نقیض آن یعنی عدم ترک نماز باید حرام باشد، یعنی «عدم ترک الصلوٰۃ حرام» و عدم ترک نماز ملازم با فعل نماز است. درست است که این دو عنوان شان فرق می کند ولی عدم ترک نماز جز با فعل نماز تحقق پیدا نمی کند. ما که قصد نداریم روی مفاهیم بحث کنیم، وقتی کاری از طرف خدا مبعوض است و آن را با یک عنوانی بیان کرده است، نباید محقق شود. خدا که نعوذ بالله قصد ندارد با الفاظ و مفاهیم بازی کند، چه عنوانش فعل نماز باشد یا عدم ترک نماز باشد. بالاخره آن چیزی که انسان می فهمد این است که فعل نماز در دایره حرمت نماز است و لذا چون این فعل حرام و منهی عنه است، فاسد خواهد بود. پس طبق مبنای مشهور با قطع نظر از آن دقتی که گفته شد نماز باطل است.

اما بنابر نظر صاحب فصول: طبق این مبنا نیز به همین بیان نماز باطل است. زیرا صاحب فصول معتقد است مقدمه موصله وجوب غیری دارد نه مطلق مقدمه. یعنی چنان چه ترک نماز منجر به ازاله نجاست شود وجوب غیری دارد. هر ترک نمازی وجوب غیری ندارد. اگر کسی نماز را ترک کند و به دنبالش ازاله نجاست محقق شود، این کشف می کند از این که آن ترک نماز وجوب غیری داشت. پس «ترک الصلوٰۃ الموصله واجب بالوجوب الغیری»؛ این نتیجه مبنای صاحب فصول است. حال اگر چیزی وجوب غیری داشت نقیضش حرام می شود. نقیض «ترک الصلوٰۃ الموصله» عبارت است از «عدم ترک الصلوٰۃ الموصله» یعنی طبق مبنای صاحب فصول «عدم ترک صلوٰۃ موصله» حرام است. وقتی عدم ترک نماز موصله را تحلیل کنیم، می بینیم که دو مصداق دارد:

۱. ترک نماز و ترک ازاله یعنی این که مکلف هم نماز را ترک کند هم ازاله را و هیچ کدام را انجام ندهد. این می شود یک

مصداق «عدم ترک الصلوٰۃ الموصله»

۲. مصداق دیگر آن است که نماز بخواند اما ازاله نکند. این نیز مصداق «عدم ترک الصلوٰۃ الموصله» است.

این دو مصداق هر دو حرام است. زیرا اگر گفتیم تقیض واجب غیر حرام است و تقیض دارای دو مصداق بود، باید هر دو مصداقش متعلق نهی باشد. با مصداق اول کاری نداریم که مکلف هر دو را ترک کند، محقق خراسانی نیز راجع به آن چیزی نگفته است، عمده مصداق دوم است یعنی «فعل الصلوه و ترک الازاله»، یعنی نماز بخواند و ازاله نکند. به چه دلیل این مورد را که مصداق عدم ترک نماز موصل است را حرام ندانیم. وقتی می‌گوییم اگر تقیض چیزی حرام شد، مصداق آن نیز حرام می‌شود؛ فعل نماز و ترک ازاله نیز به عنوان یکی از مصداق آن تقیض باید حرام شود. پس در واقع نهی به این نماز نیز تعلق گرفته، حتی طبق مبنای صاحب فصول.

به عبارت دیگر بر اساس همان راهی که برای بطلان نماز طبق مبنای مشهور طی شد، بر اساس همان راه نماز طبق نظر صاحب فصول نیز باطل می‌شود. فرق بین مشهور و صاحب فصول فقط در این است که آن تقیض که حرمتش مسلم دانسته شده، طبق نظر مشهور یک مصداق دارد اما طبق نظر صاحب فصول دو مصداق دارد؛ راه یکی است، هر دو از این راه وارد می‌شوند که ترک نماز به عنوان مقدمه ازاله نجاست، واجب غیر است و لذا تقیضش حرام می‌شود؛ تقیض ترک نماز می‌شود عدم ترک نماز؛ منتهی مشهور چون قیدی کنار مقدمه ندارند، این تقیض یک مصداق بیشتر ندارد که عبارت است از «عدم ترک الصلوه» که حرام می‌شود و این همان فعل نماز است، چه به ازاله نجاست منتهی شود و چه نشود؛ اما در نظر صاحب فصول این تقیض دو مصداق دارد، زیرا مطلق مقدمه به نظر ایشان واجب نیست بلکه مقدمه موصله واجب است. اگر این عنوان دو مصداق داشت هر دو مصداقش محکوم به حرمت است. طبق نظر مشهور همان یک مصداق محکوم به حرمت بود این جا نیز چون عنوان دو مصداق دارد هر دو محکوم به حرمت است لذا نتیجه این می‌شود که این نماز نیز باطل است. یعنی کانه طبق مبنای مشهور یک راه برای ارتکاب حرام است ولی طبق نظر صاحب فصول دو راه برای ارتکاب حرام وجود دارد؛ وگرنه در اصل حرام بودن فرقی نمی‌کند. گاهی حرام در قالب مصداق اول تحقق پیدا می‌کند و گاهی در قالب مصداق دوم. پس طبق هر دو مبنا این نماز باطل می‌شود.^۱

پاسخ محقق خراسانی به اشکال شیخ انصاری

ایشان دقیقاً همان مطلبی را که شیخ انصاری روی آن تکیه کرده (و گفته تنها فرق این دو مبنا در این است که حرام بر طبق مبنای مشهور یک مصداق دارد و طبق مبنای صاحب فصول دو مصداق دارد و این تأثیری ندارد و موجب فرق در نتیجه مسئله نمی‌شود)، را محل اشکال دانسته‌اند. این که شیخ انصاری فرموده این مطلب موجب فرق نمی‌شود، محقق خراسانی می‌فرماید: اتفاقاً موجب فرق می‌شود.

ایشان می‌گویند: وقتی عنوان و مفهوم عدم ترک نماز موصل را بررسی می‌کنیم، این گونه نیست که عدم ترک نماز موصل دو مصداق داشته باشد. بلکه بحث این است که عدم ترک نماز موصل گاهی به نحو اول تحقق خارجی پیدا می‌کند و گاهی به نحو دوم. این طور نیست که امکان تحقق آن عدم ترک نماز موصل هم زمان در خارج باشد. اصلاً امکان ندارد هم زمان این دو فرد یا این دو نحوه تحقق با هم جمع شوند. عدم ترک نماز موصل یک وقت در قالب ترک ازاله و نماز هر دو محقق می‌شود و گاهی به این نحو محقق می‌شود که مکلف نماز می‌خواند و ازاله را ترک می‌کند. پس این دو نحوه در واقع به این معنا است که عدم ترک نماز موصل، گاهی ملازم با این نحو است گاهی ملازم با آن نحو است.

^۱ مطارح الانظار، ص ۷۸.

همان طور که در تبیین ثمره گفته شد تلازم اقتضا نمی کند حکم از احد المتلازمین سرایت کند به متلازم دیگر. اگر احد المتلازمین حرام شد مثل عنوان عدم ترک الصلوة الموصلة به این معنا نیست که حتما آن ملازمش که فعل نماز همراه با ترک ازاله باشد حرام باشد. بالاتر از این را ادعا می کنیم، ممکن است احد المتلازمین واجب باشد و متلازم دیگر مستحب باشد، یکی از دو ملازم حرام باشد و ملازم دیگر مباح باشد. این یک قاعده کلی است که اگر حکمی به احد المتلازمین تعلق گرفت این حکم سرایت به متلازم دیگر نمی کند. در ما نحن فیه حتی ملازمه هم نیست بلکه صرفا مقارنت است. این جا در واقع عدم ترک نماز موصل گاهی مقارن با ترک نماز و ازاله است و گاهی مقارن با فعل نماز و ترک ازاله است. زیرا گفتیم این به دو نحو، تحقق خارجی پیدا می کند. اگر در متلازمین حکم از یکی از دو متلازم سرایت به متلازم دیگر نکرد، در فرض مقارنت به طریق اولی سرایت نمی کند. زیرا در متلازمین این ها از هم جدا شدنی نیستند، این جا که قابل جدا شدن نیستند، حکم نمی تواند از یکی سرایت به دیگری کند در مقارنین که شدت ارتباط و اتصالشان مثل متلازمین نیست به طریق اولی حکم سرایت نمی کند. بر این اساس دلیلی ندارد که طبق مبنای صاحب فصول حکم به بطلان نماز شود. بله مسئله را طبق نظر صاحب فصول این گونه تقریر می کنیم و می گوئیم: طبق نظر ایشان ترک نماز موصل به ازاله واجب غیری است نقیض آن نیز حرام می شود که عبارت است از «عدم ترک الصلوة الموصلة» ولی این عدم ترک نماز موصل گاهی مقارن با فعل نماز و ترک ازاله است و گاهی نیز مقارن با ترک هر دو است. اگر عدم ترک نماز موصل حرام باشد، ضرورتا این طور نیست که چیزی که مقارن با آن است نیز حرام باشد. اگر عدم ترک صلوۀ موصل حرام باشد، لزوما فعل نماز که همراه با ترک ازاله است حرام نیست. اگر فعل نماز حرام نبود دلیلی بر بطلان این نماز وجود ندارد و طبق نظر صاحب فصول می توانیم بگوئیم این نماز صحیح است.

اما طبق نظر مشهور، ما حکم به بطلان می کنیم. یعنی فرق است در همین راه بین نظر صاحب فصول و مشهور. طبق نظر مشهور می گوئیم ترک نماز، مقدمه ازاله است. زیرا «ترک احد الضدین مقدمه للضد الآخر» اگر کسی بخواهد ازاله نجاست کند باید نماز را ترک کند و ترک نماز مقدمه ازاله نجاست می شود. مقدمه نیز طبق نظریه مشهور وجوب غیری دارد مطلقا؛ یعنی ترک نماز مطلقا وجوب غیری دارد، چه بعدش ازاله نجاست حاصل شود و چه نشود. از باب این که اگر چیزی واجب شد نقیضش حرام می شود، در این مثال نقیض ترک نماز عبارت است از عدم ترک الصلوة؛ پس عدم ترک الصلوة حرام می شود. عدم ترک نماز مساوی با فعل نماز است. حال تمام بحث این جا است که وقتی حرمت و نهی به عدم ترک نماز متعلق می شود آیا به فعل نماز نیز متعلق می شود یا خیر؟ این جا گفتیم درست است که این دو عنوان متفاوت هستند و مفهوما عدم ترک الصلوة متفاوت است با فعل نماز؛ اما عمده این است که این ها اتحاد عینی و خارجی دارند. وقتی نهی متعلق می شود به عدم ترک نماز چون اتحاد عینی و خارجی دارد با فعل نماز پس فعل نماز نیز متعلق نهی و حرمت قرار می گیرد و لذا نماز باطل است.

طبق نظر مشهور با این بیان حکم به بطلان نماز می شود، اما چرا این را بر مبنای صاحب فصول نمی گوئیم؟ زیرا آن جا مسئله اتحاد عینی و خارجی نیست. آن جا گفتیم «عدم ترک الصلوة الموصلة» بعنوان نقیض مقدمه حرام می شود و عدم ترک نماز موصل در قالب دو نحوه تحقق دارد. این طور نیست که با یک چیزی اتحاد عینی و خارجی داشته باشد که به اعتبار اتحاد عینی و خارجی حکم به سرایت حرمت کنیم.

این جا طبق نظر مشهور عدم ترک نماز موصل متحد خارجا مع فعل الصلوة لذا وقتی حرمت به آن تعلق بگیرد خواه ناخواه به آن یکی نیز متعلق می شود. اما طبق نظر صاحب فصول دیگر مسئله اتحاد عینی و خارجی مطرح نیست بلکه صرفا یک مقارنت است. آن جا عدم ترک نماز موصل گاهی اوقات مقارن می شود با فعل نماز و ترک ازاله و تعلق حرمت به احد المتلازمین مستلزم سرایت حرمت به متلازم دیگر نیست. زیرا این جا اتحاد عینی و خارجی نیست و لذا دیگر حرمت از عدم ترک نماز موصل سرایت نمی کند به فعل نماز. لذا آن جا نماز صحیح است.

«والحمد لله رب العالمین»